

دولت و نظام سرمایه‌داری تحمیل کنیم و پایه‌های نظامی انسانی را بریزیم.

دستمزد چیست؟

ما کارگران برای امرار معاش و تامین مایحتاج زندگی مان مجبور به کار کردن هستیم و بسته به شغل و نوع کارمان برای مثال بافندگی، حروفچینی، تدریس و ... مبالغ متفاوتی را از کارفرماهایمان با عنوان "دستمزد" دریافت می‌کنیم. اما باید بدانیم که در واقع آن چه را که در مقابل پول به سرمایه‌دار می‌فروشیم، کارمان نیست بلکه توان کارمان به مدت یک ساعت، یک روز، یک هفته و... است. سرمایه‌دار، کارگر را در برابر پولی که برای خرید توان کارش پرداخته است، به کار می‌گمارد. در واقع او با همان مقدار پولی که برای خرید کار خرج کرده می‌توانست یک کالای دلخواه دیگر مثلا دو کیلو شکر و یا هر کالای دیگری که ارزشی برابر دو هزار تومان داشته باشد بخرد و از این جهت فرقی بین خرید توان کار برای مدت ۸ ساعت یا دو کیلو شکر وجود ندارد، به عبارت دیگر توان کار نیز نوعی کالا است که در این جا هیچ تفاوتی با شکر ندارد. فقط تفاوت در این است که اولی با ساعت اندازه گیری می‌شود و دومی با ترازو.

ما کارگران کالایمان یعنی توان کار را با پول سرمایه‌دار مبادله می‌کنیم و این مبادله در یک نسبت مشخص رخ می‌دهد یعنی: مقدار مشخص پول، در مقابل مقدار مشخص کار. برای مثال، یک هزار تومان در مقابل یک ساعت کار بافندگی مبادله می‌شود. از این رو این یک هزار تومان رابطه‌ایی را توضیح می‌دهد که در آن توان کار با کالای دیگری به نام پول مبادله

می‌شود. در واقع این یک هزار تومان ارزش مبادله‌ی توان کارمان است.

ارزش مبادله‌ی یک کالا وقتی که به صورت پول تخمین زده می‌شود، قیمت آن کالا نامیده می‌شود. بنابراین دستمزد تنها یک نام خاص برای قیمت توان کار است و معمولا قیمت کار نام می‌گیرند.

در مبادله دستمزد و کار بین ما و سرمایه‌دار، ناچاریم برای ادامه‌ی حیات، کالایمان یعنی توان کارمان را به بهای ناچیزی به سرمایه‌دار بفروشیم.

در واقع ما فعالیت زنده‌مان را به فرد دیگری می‌فروشیم، و در این راستا هدف فعالیت ما، تولید محصول نیست، زیرا چیزی که تولید می‌کنیم مانند ابریشمی که می‌بافیم، طلایی که از معدن استخراج می‌کنیم یا کاخی که می‌سازیم، برای

خودمان نیست؛ بلکه فقط قسمت ناچیزی از تولیداتمان را دریافت می‌کنیم که همان دستمزد است. و در عمل آن چه از پارچه‌ی ابریشمی، طلا و قصر نصیب ما کارگران می‌شود چیزی جز مقدار معینی وسیله‌ی معاش نیست.

ما هشت، ده، دوازده و یا پانزده ساعت از زندگی و توان کارمان را، امروز مثل دیروز، به حراج می‌گذاریم و به مالک مواد خام، ابزارها و وسایل معاش یعنی به سرمایه‌دار می‌فروشیم.

شاید کسی بگوید کارگر آزاد است که توان کار خود را نفروشد، اما آیا در چنین صورتی امکان زندگی خواهد داشت؟ از کجا باید وسایل معاش خود را فراهم کند؟ خیر! تا نظام سرمایه‌داری حاکم است کارگر مجبور است شیره‌ی جان خود را در ازای دستمزد ناچیز به حراج بگذارد.

"بیدار" نشریه‌ای تحلیلی، خبری و آموزشی است که با تلاش تعدادی از کارگران در جهت انعکاس اخبار، انتقال تجارب کارگری و آموزش انتشار می‌یابد.

بیدار

شماره اول - ۱۳۸۹ مهر سال

دنیای امروز، دنیای ارتباطات و رسانه‌هاست. با پیشرفت تکنولوژی، روابط و اطلاع‌رسانی به راحتی انجام می‌گیرد و دیگر نمی‌توان به سادگی از انعکاس اخبار و رویدادها جلوگیری کرد. همچنین رسانه‌ها تاثیر زیادی بر افکار جامعه دارد و می‌توان گفت افکار جامعه را جهت می‌دهند. صاحبان این رسانه‌ها که همان سرمایه‌داران و دولت‌ها هستند با نفوذ و قدرتی که دارند و با توجه به این که از تمامی امکانات مادی برخوردارند، تلاش می‌کنند تا اخبار ظلم‌های بیشمار نظام سرمایه‌داری به گوش کارگران نرسد و این طور جلوه دهند که گویا هیچ تقابلی و تضادی بین سرمایه‌داران و کارگران وجود ندارد. آنان تلاش می‌کنند وضعیت موجود یعنی فقر اکثریت مردم جهان و بی‌عدالتی گسترده‌ی سرمایه‌داری را طبیعی جلوه داده و نگذارند صدای میلیاردها انسان گرسنه به گوش هم‌دیگر برسد، زیرا آنان از آگاهی طبقه‌ی کارگر در هراسند و می‌دانند اگر این طبقه آگاه، متشکل و متحد شود به این مناسبات غیر انسانی پایان می‌دهد.

امروز، در ایران نیز، طبقه‌ی میلیونی کارگر که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهد از هیچ رسانه‌ی مستقلی برخوردار نیست و صدای خرد شدن استخوان‌هاشان و نیز صدای له شدن جسم نحیف و تکیده‌شان زیر بار فقر، بردگی و بی‌حقوقی انعکاسی ندارد. هر روز کارگران در اعتراض به وضعیت بد معیشتی، اخراج، عدم پرداخت دستمزدهای معوقه و دستمزد پایین و ده‌ها معضل دیگر در محیط‌های کار و خیابان و مقابل نهادهای حکومتی تجمع می‌کنند ولی رسانه‌های سرمایه‌داری کمترین چیزی از این مبارزات را نشان نمی‌دهند بلکه بر عکس تلاش می‌کنند شرایط را وارونه نشان دهند.

با این اوصاف، ما تعدادی از کارگران و فعالان کارگری مستقل، با امکانات اندک خود و با درک شرایط موجود، و نیز با هدف بیان راستین دردها، خواست‌ها و مطالبات کارگران، آمده‌ایم تا سهمی در مبارزه برای از بین بردن مناسبات استثمار و بردگی داشته باشیم. در شرایطی که تمام امکانات مالی و حکومتی در اختیار سرمایه‌داران است ما باید از تمام امکانات محدود خود استفاده کنیم و مطالب کارگری را به هر نحو ممکن به گوش هم طبقه‌ای‌هایمان برسانیم. پس در انتشار و تکثیر این نشریه کوشا باشید

آیا هدفمند کردن یارانه‌ها به نفع کارگران خواهد بود؟

در طول سی سال بعد از انقلاب سال ۵۷ نیز، کارگران همواره مورد حمله دولتها بوده‌اند، این در حالی است که دولتها همیشه مدعی حمایت از کارگران بوده‌اند. در دوره جنگ هشت ساله کارگران در جبهه و پشت جبهه جان می‌دادند و کار می‌کردند، و هر گاه که برای دستمزد بیشتر اعتراض می‌کردند به جرم مخالفت با جنگ و ضد انقلاب بودن مورد تعرض قرار می‌گرفتند.

وعده‌های رسیدگی به مطالبات کارگران به بعد از جنگ موکول شد، اما بعد از آن نه تنها از تحقق وعده‌ها خبری نشد بلکه دولت‌های مختلف هدایایی مانند تعدیل گسترده نیرو در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، اخراج، تعطیلی کارخانه‌ها و قراردادهای موقت کار را به کارگران اعطا کردند، هم اکنون نیز به نام حمایت از کارگران و طبقات فقیر، و البته به کام دولت هدیه‌ای دیگر به نام یارانه‌های نقدی در دستور کار قرار گرفته است.

تماس با ما: bidar.nashriyeh@gmail.com
این نشریه متعلق به ما کارگران است. در محیط کار و زندگی، در دانشگاه، بیمارستان، کارگاه و کارخانه، در هر جا که هستیم آن را تکثیر و منتشر کنیم.

با شروع این طرح در واقع می‌خواهند همه‌ی قیمت‌ها را آزاد کنند و در افزایش بخشی از افزایش قیمت‌ها را با واریز مقداری پول جبران کنند. اما مگر با وضعیت فعلی قیمت‌ها، بیکاری و رشد روز افزون اخراج‌ها کارگران توان تحمل فشار جدیدی را دارند؟ واقعیت آن است، اگر قرار است به ما یارانه‌ای پرداخت شود، در مقابل، دستمزدهای واقعی را به ما نمی‌پردازند. مالیات‌های مستقیم از حقوق و دستمزد ما کسر می‌کنند، در حالی که هیچ قشر و طبقه‌ای به اندازه‌ی کارگران به دولت‌ها مالیات نمی‌پردازند. تامین اجتماعی مبلغ حق بیمه آنچنانی از ما می‌گیرد و هیچ امکاناتی در مقابل آن نمی‌دهد. سالها برای ایجاد تشکل مستقل مبارزه می‌کنیم اما همیشه بخاطر این مطالبه‌ی به حقم مورد هجوم و بازداشت قرار گرفته و می‌گیریم. به جای اینکه مطالبات عقب افتاده سی ساله کارگران به آنها داده شود و سایه شوم بیکاری، اخراج، قراردادهای موقت، دستمزدهای معوقه و ده‌ها معضل دیگر از سر کارگران برداشته شود، قرار است یارانه‌ها هم از زندگی آنها حذف شود. دولت و کارفرمایان اگر می‌خواهند قیمت‌ها را جهانی کنند بایستی در مقابل دستمزد کارگران را هم جهانی پرداخت کنند. تا یافتن کار برای کارگران بیمه بیکاری مکفی بپردازند و برای شاغلین امنیت شغلی را تضمین کنند. آزادی ایجاد تشکل‌های کارگری را به رسمیت بشناسند و شرایط زندگی انسانی را برای ما برقرار کنند.

کدام کارگری - اگر بیکار نباشد- با دستمزد ۳۰۳ هزار تومان، با اجرای این طرح، می‌تواند هزینه آب، برق، گاز، کرایه حمل و نقل و نان و غیره را به قیمت آزاد بپردازد؟ شرایط برده در سیستم برده‌داری از شرایط امروز ما کارگران بهتر بود، چرا که حداقل در مقابل انجام کار

**قراردادهای ننگین موقت و سفید امضا
ملغی باید گردد.**

می‌توانستند نانی برای سیر شدن شکم‌شان دریافت کنند، اما هم اکنون دولت قصد دارد همین نان را هم از ما و بچه‌هایمان دریغ کند.

اما بطور خلاصه گوشه‌ای از وضعیتی که با قطع یارانه‌ها برای ما کارگران پیش خواهد آمد:

با آزادسازی قیمت بنزین، کارگران برای ایاب و ذهاب خود باید ماهیانه حدود ۷۰ تا ۱۰۰ هزار تومان پرداخت کنند.

با آزادسازی قیمت نان، هر خانواده چهار نفره روزانه باید حدود ۱۵۰۰ تومان یعنی ماهیانه حدود ۴۵ هزار تومان بپردازد.

هزینه خدمات گاز، آب و برق مطابق آنچه برای برخی استانها اعمال شده، در خوشبینانه‌ترین حالت ماهیانه بالغ بر ۱۰۰ هزار تومان خواهد شد.

قیمت‌های میوه، برنج و روغن نیز که هنوز از اجرای این طرح خبری نیست، به شدت افزایش یافته است.

بهای پرداختی برای درمان و بهداشت را نیز به این مبالغ اضافه کنید.

افزایش بهای اجاره مسکن نیز که بطور میانگین ۶۰ درصد دستمزد ماهیانه را می‌بلعد نیز، به مبالغ فوق بیفزایید.

این‌ها فقط بخش کوچکی از زیان‌های اجرای طرح یارانه‌ها می‌باشد. آیا فکرمی‌کنید کارگری که با پیش فرض داشتن کار، با دستمزد ۳۰۳ هزار تومان در ماه، می‌تواند به زندگی مشقت بار کنونی خود ادامه دهد؟ اگر بیکار بودن این کارگر را در کنار این هزینه‌ها داشته باشیم، خانواده‌های کارگران به چه شکلی باید به زندگی خود ادامه دهند؟

در مقابل این همه هزینه، دولت ماهیانه چقدر به این خانواده‌ها می‌خواهد کمک کند؟ حتی اگر در خوشبینانه‌ترین حالت هر خانواده ۴ نفره‌ای با توجه به اخبار رسمی و غیر رسمی ماهیانه ۱۰۰ هزار تومان از دولت دریافت کند، سه برابر این مبلغ را از دست داده است. آیا دولت تضمین می‌کند که هیچ کارگری بیکار

نشود؟ آیا دستمزد کارگران را حداقل دو برابر می‌کند؟ آیا مسکن ارزان برای کارگران تهیه می‌کند؟ آیا اعتراضات کارگران و اعتصاب‌های آنها را سرکوب نمی‌کند؟ آیا به کارگران امکان ایجاد تشکل‌های کارگری مستقل از دولت و کارفرما را می‌دهد تا در مقابل این همه بی‌حقوقی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از خود دفاع کنند؟

به نظر ما کارگران، حمایت دولت از کارگران توهمی بیش نیست، هیچ مزایای رنگانگ آشکار و پنهانی از اجرای این طرح نصیب ما نمی‌شود.

ما کارگران که خالق همه ثروت‌ها و امکانات هستیم، نه تنها خواهان قطع یارانه‌ها نیستیم بلکه خواستار بهبود شرایط زندگی خود و خانواده و تامین یک زندگی شرافتمندانه و انسانی هستیم. بنابراین نه تنها به اجرای این طرح کمک نمی‌کنیم و هزینه اضافی پرداخت نخواهیم کرد، بلکه برای رسیدن به خواسته‌ها و مطالبات بحق خود دست از مبارزه و تلاش بر نخواهیم داشت.

چرا باید تشکل‌های مستقل کارگری خودمان را ایجاد کنیم؟

می‌دانیم، این کارگران هستند که تمام ثروت‌های مادی و معنوی جهان را تولید می‌کنند و همین کارگران اکثریت افراد جامعه را تشکیل می‌دهند. بنابراین اگر قرار است قانونی مشروع و درست باشد، باید قانونی باشد که حق و مطالبات این اکثریت را تأمین کند. اما سرمایه‌داری چون نظامی است که با خونریزی و جنایت خود را بر جهان حاکم کرده است، تمام تلاش و امکانات خود را به کار می‌گیرد که قوانین سرمایه‌داران را بر جامعه حاکم کند. نیروی کار همه‌ی ما کارگران فکری و کارگران یدی را به غارت می‌برد و قسمت زیادی از نیروی کار ما برای سرمایه‌داران تبدیل به سود می‌شود؛ سرمایه‌داران و کارفرمایان دولتی و خصوصی به اندازه‌ی تمام ارزش نیروی کار ما، به ما

دستمزد نمی‌دهند و تفاوت آن را (که به آن ارزش اضافی می‌گویند) به جیب می‌زنند و فقط به ما کارگران آن قدر دستمزد داده می‌شود که جان داشته باشیم و کار کنیم، تا آن‌ها همچنان سود به جیب بزنند. سرمایه‌داران برای حفاظت از این روش دزدی و غارت و استثمار، دولت و سازمان‌های سرمایه‌داری خود را دارند تا مبادا کارگران بتوانند به حق خود برسند. تمام نهادها در نظام سرمایه‌داری به صورت یکپارچه در خدمت استثمار کارگران هستند و اگر قوانینی پیدا شوند که گاه و تا حدی به نفع کارگران است، حاصل به عقب راندن دم و دستگاه سرمایه‌داری و نتیجه‌ی امتیازی است که کارگران با مبارزه‌ی متشکل‌شان به دست آورده‌اند و این طور نیست که این امتیازات را کسی به آن‌ها اعطا کرده باشد، به عنوان مثال طبقه‌ی کارگر برای رسیدن به هشت ساعت کار در روز سال‌ها مبارزه‌ی متشکل کرده است.

کارگران (منظور از کارگر؛ فقط کارگران ساختمانی، کارگران کارخانجات و یا کارگران کشاورزی نیست، بلکه معلمان، پرستاران، زنان خانه‌دار و بسیاری از مزد-بگیران نیز کارگر محسوب می‌شوند زیرا برای زنده ماندن، جز فروش نیروی کارشان چاره‌ای ندارند). هر روز با مشکلاتی مانند اخراج، حقوق‌های معوقه، نداشتن بیمه، پایین بودن دستمزد و سطح معیشت، قراردادهای موقت و سفید امضا و ... روبرو هستند. همانطور که گفته شد نظام سرمایه‌داری با تمام نهادهایش به صورت یکپارچه بر علیه کارگران و مزدبگیران متحد است و با این اوصاف آیا کارگران می‌توانند با حرکت‌های شخصی و انفرادی حقوق پایمال شده‌ی خود را به دست آورند؟ هرگز! چنین اقدامی در نطفه سرکوب می‌شود و صدای آن به گوش هیچ کس نمی‌رسد. برای این کار ما کارگران باید تشکل‌های مستقل از دولت، کارفرما و سرمایه را ایجاد کنیم تا با اتحاد، آگاهی طبقاتی و اتکا به قدرت جمعی‌مان بتوانیم خواسته‌های خود را به کارفرماها،